

## عنوان مقاله:

نقش عقل و عاطفه در تنظیم روابط اجتماعی (از منظر قرآن و حدیث)

## محل انتشار:

دوفصلنامه یافته های علوم قرآنی، دوره 1، شماره 1 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 29

## نویسنده:

محمدعلی نظری - مدیر نشریات دانشگاه بین المللی المصطفی (ص)

## خلاصه مقاله:

مشکل اصلی نظم اجتماعی که اغلب جامعه شناسان به نحوی آن را مطرح کرده اند، عبارت است از این که جامعه انسانی در طی فرایند تاریخی خود به تدریج از نظام های مبتنی بر تعاملات اظهاری و عاطفی به سمت نظام های حرکت کرده است که در آن عقلانیت ابزاری به عنوان منطق غالب کنش درآمده است. بیشتر جامعه شناسان در عین حالی که این تحول تاریخی را در مجموع به عنوان فرایند مثبت ارزیابی می کنند، اما معتقدند که تعاملات اظهاری و دگرخواهانه بنیاد نظم و همبستگی اجتماعی را شکل می دهد. بنابراین، تلفیق عقل و عاطفه مساله اساسی نظم و همبستگی اجتماعی است. در این نوشتار مساله یادشده با توجه به متون اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. نتیجه به دست آمده حاکی از آن است الگوی روابط اجتماعی را که اسلام ارائه می دهد بر دو بنیاد عقل و عواطف انسانی استوار است. اسلام هم حق عقلانیت را در تنظیم روابط اجتماعی اداء می کند و هم شالوده های ارزشی و عاطفی نظم اجتماعی را مورد توجه قرار می دهد. اسلام، عقلانیت ابزاری را با عنصر «ایمان» و عواطف کور را با نور «عقل» تعدیل می کند و براینده آن در سطح واقعیت، روابط انسانی آکنده از روشن اندیشی و معنویت به نحو توامان است.

## کلمات کلیدی:

"تعامل ابزاری"، "تعامل اظهاری"، "روابط اجتماعی"، "عقل"، "عاطفه"، "عقلانیت اسلامی"، "عقلانیت سکولار"

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1574031>

